



سال ششم، شماره ۴، پیاپی ۲۱ زمستان ۱۴۰۲

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2783-4166

## بررسی دلایل شکل‌گیری تصوف در سده‌های آغازین بر اساس نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی

مهسا کاظم‌پور<sup>۱</sup>، دکتر مسروره مختاری<sup>۲</sup>، دکتر عسگر صلاحی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۴۹ تا ص ۷۶)



### چکیده

از رویکردهای اجتماعی و فکری رایج در تاریخ، عرفان و تصوف است که از زمان شکل‌گیری تا اوج و کمال با تغییراتی همراه بوده است. این رویکرد علی‌رغم تأثیر در مؤلفه‌های دیگر، از عوامل گوناگونی نیز تأثیر پذیرفته است و در ضمن این تعامل‌ها بستری ایجاد شده است که سبب رواج یا کساد شدن مکتب تصوف شده است. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای معتبر، دلایل ظهور تصوف و متصوفه را بر اساس نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی مورد بررسی قرار داده است. هژمونی به معنی قدرت و تسلط است. به عقیده گرامشی، هژمونی بدون اجبار با تکیه بر اقناع و رضایت عمومی صورت می‌گیرد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد در سده‌های آغازین که دوره زمینه و جوانه تصوف به شمار می‌رود، مسائل فرهنگی، سیاسی و مذهبی و به‌خصوص مسائل اجتماعی، ایدئولوژیکی بسیاری در قدرت یافتن تصوف نقش داشته‌اند که عبارتند از: اهمیت دین و مذهب و فطرت خداشنای انسان، ظهور دین اسلام، توجه به باطن شریعت، اوضاع اجتماعی جامعه، ظهور برخی از شخصیت‌ها، طرح مباحث حقیقی تصوف، ظهور برخی از فرقه‌ها، سبک زندگی پیامبر(ص) و یاران ایشان، کمک صوفیان به مردم مظلوم، تحریر کتاب، درون‌نگری زاهدان، گرایش به تزهد، اعتقاد بر فانی بودن دنیا، باور به دوری از نفس‌پرستی، باور به پاداش و جزا، باور به مراقبت از اعمال، رویکرد پادشاهان به تصوف و صوفی که سبب شده است تصوف و متصوفه در زمره گروه هژمون قرار بگیرند و اذهان عمومی را نه با زور بلکه با رضایت و رهبری سیاسی به جانب اقناع و خشنودی رهنمون شوند.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. [mahsa.kazempour7272@gmail.com](mailto:mahsa.kazempour7272@gmail.com)

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول) [mmokhtari@uma.ac.ir](mailto:mmokhtari@uma.ac.ir)

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. [a\\_salahi@uma.ac.ir](mailto:a_salahi@uma.ac.ir)



واژگان کلیدی: تصوف، مشایخ متصوفه، سده‌های آغازین، هژمونی، آنتونیو گرامشی.

## ۱. مقدمه

عرفان از نیمه دوم قرن دوم هجری با نخستین عارفان از جمله ابوهاشم کوفی، رابعه عدویه و... مطرح شد. «عرفان در اصطلاح، طریقی است که طالبان راه حق برای اتصال به غایت و درک حقیقت برمی‌گزینند. درک حقیقت به دو روش انجام می‌گیرد: استدلال از اثر به مؤثر، از صفت به ذات که مختص عرفا، اولیا و انبیا است و از فعل به صفت» (سجادی، ۱۳۸۸: ۹۸). آغاز این مکتب همانند جریان‌های دیگر بسیط و ابتدایی بود. در این دوران کسانی که به این مکتب مبادرت می‌کردند، سیمای نوپیشه‌ای از آن ترسیم کردند که از اساس عرفان و مباحث عرفانی چون عشق حقیقی خالی بود و فقط مباحثی چون زهد و اعمال عبادی خشک در آن ملموس بود. در پیدایش مکتب تصوف و رواج روز افزون آن، مسائل گوناگونی دخیل بوده است که این مسائل در حکم هژمونی در این جستار مطرح شده‌اند؛ زیرا در طول تاریخ این مفاهیم و مؤلفه‌ها حضور داشته‌اند و با توجه به روحیات عصر، قدرت پیدا کرده‌اند و بدون زور و اجبار به رهبری فکری و اقتناع عمومی در رابطه با عرفان سبب شده‌اند؛ بنابراین عرفان در هر دوره‌ای از تاریخ ویژگی‌های شاخصی دارد که به‌عنوان هژمونی قدرت ایفای نقش می‌کند و سبب ممتازی تصوف و متصوفه می‌شود. یکی از این ادوار ممتاز که بذر عرفان کاشته می‌شد و جوانه می‌زد، سده‌های آغازین هجری است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود و عواملی که سبب کاشته شدن این بذر شده‌اند را به نمایش می‌گذارد.

### ۱-۱. بیان مسئله

تصوف در ابتدا جنبشی علیه اشراف‌منشی و شیوه زندگی مرفه بنی‌امیه و اختلافات طبقاتی موجود در جامعه بود. مردم تلاش می‌کردند تا آداب و رسوم و اوضاع پیش از اسلام را در جامعه حکم‌فرما کنند. مشایخ صوفی کسانی

بودند که از میان همین مردم برای برانداختن وضع حاکم سر برآوردند و تکیه بر سلاح تصوف را راهی برای نجات از شرایط نامساعد موجود در جامعه پیش گرفتند. «نخستین مشایخ صوفیه در ایران که شرح احوال آنها در کتاب‌ها ذکر شده است، ابراهیم بن ادهم، ابراهیم بلخی و فضیل بن عیاض بودند. با نظر به تاریخ زندگی آنها باید گفت حداقل در دوران جوانی، محرک آنها اوضاع نابه‌سامان عصر بنی‌امیه بوده است» (سراج طوسی، بی‌تا: ۲۱۹). علاوه بر صوفیان مذکور، صوفیان زیادی در سده‌های دوم و سوم ظهور کردند. که عبارتند از: رابعه عدویه، ذوالنون مصری، سری سقطی، بایزید بسطامی، جنید بغدادی و حلاج و...

«سه صفت اصلی تصوف سده سوم را که مرحله کمال آن به شمار می‌رود، از تصوف سده دوم متمایز می‌کند: اول آنکه در این عصر تصوف به تفکر بسیار ارزش می‌دهد تا به ریاضات سخت؛ به این معنی که زندگی پر مشقتی را که اساس رهایی می‌دانستند، صوفیان این عصر همچون جنید کنار می‌گذارند. به اضافه زهد و عبادت در حکم ابزار است نه غایت. دوم اینکه رواج افکار وحدت وجودی به طوری نتیجه داده بود که صوفیه اتصال به خداوند را تنها منظور صوفی می‌دانستند و دیگر به چیزی ارزشی قائل نبودند. سومین مورد این است که متصوفه در این دوره به شکل فرقه ویژه‌ای در آمده بودند و هر گروهی تحت سرپرستی شیخ و مرشد بود. شیخ یا راهنما کاملاً بر مریدان تسلط داشت و اعمال آنها را تحت مراقبت خود محفوظ می‌کرد» (غنی، ۱۳۷۴: ۵۵-۵۸). «در این دوره عرفان از نظر علمی و نظری به شکل یک مکتب کامل و منسجم در نیامده بود، ولی به تدریج از نظر محتوا کامل‌تر می‌شد. در این مرحله امکان دارد تمام محتوای تصوف وجود داشته باشد، اما به صورت منظم دیده نمی‌شود. به طوری که گویی این مکتب برای مشتاقان خود نیز مأنوس نیست» (بثربی، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۳۲). هر مکتبی در طول حیات خود، مراحل چون زمینه، ایجاد و جوانه زدن، رشد و کمال می‌گذراند. هر چند تصوف اسلامی با وجود سرچشمه خود، قرآن، نسبت به بقیه مکاتب برتری ویژه‌ای دارد، این مراحل را پشت سر گذاشت. قرن اول زمینه تصوف، قرن دوم، جوانه و ایجاد و قرن سوم که اشخاصی چون بایزید بسطامی، جنید در آن حضور دارند، رشد تصوف است که غالب



محتوای تصوف رواج دارد. در ابتدا عارفان با پرداختن به مسائل خشک چهره‌ای نادرست از عرفان به تصویر کشیدند، در حالی که اساس عرفان که بعدها مطرح شد، عشق الهی، کشف و شهود، درک و معرفت حق و وحدت وجود بود. زبان و ادبیات فارسی همانند ابزار ارتباطی جهت هژمونی، گفتمان‌های بسیاری چون گفتمان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... را در درون خود دارد که فصل‌هایی از تخیل و عاطفه را نیز با محوریت زبان پذیرفته است. پژوهش حاضر در صدد است، دلایل شکل‌گیری تصوف و مشایخ متصوفه را در قرون اول، دوم و سوم، بر اساس نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی تبیین کند و نشان دهد کدام مؤلفه هژمونی که سبب اقناع مردم شده است، پررنگ‌تر است.

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

با مطالعه در کارنامه پژوهشی متون تصوف و عرفان اسلامی معلوم می‌شود تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه عرفان و تصوف صورت گرفته است.

در سال ۱۳۸۳، محمد کاظم شجاعی، کتاب درآمدی بر اندیشه‌های سیاسی آنتونیو گرامشی (هژمونی، انقلاب، و روشنفکران) را جر سایمون را به فارسی ترجمه کرده است.

در سال ۱۳۹۴، حوریه علیزاده پایان‌نامه‌ای با عنوان «احوال و جایگاه عرفانی صوفیه در مثنوی‌های عطار نیشابوری» نوشته است که در آن احوال و جایگاه عرفانی صوفیه را تا حدی منعکس می‌کند.

در سال ۱۳۹۵، هادی آجیلی و ام‌البنین جلوداری، مقاله‌ای با عنوان «بایسته‌ها و الزامات شکل‌گیری هژمونی جهانی و منطقه‌ای» نوشته‌اند و در آن ضمن گرامشی، به عواملی که سبب شکل‌گیری هژمونی می‌شود، می‌پردازند.

در سال ۱۳۹۹، رضا قنبری عبدالملکی و آیلین فیروزیان پوراصفهانی مقاله‌ای تحت عنوان «بازنمایی هژمونی و ضد هژمونی در گفتمان شعر جمهوری «محمدتقی بهار» بر مبنای آرای آنتونیو گرامشی» نوشته‌اند و بیان می‌کنند که هژمونی، نوعی رهبری فکری و فرهنگی است که جامعه آن را بر اکثریت مردم حاضر در اجتماع اعمال می‌کند.

از تحقیق و تفحص در کارنامه پژوهشی موضوع حاضر، معلوم می‌شود که تاکنون کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ای با موضوع «بررسی دلایل شکل‌گیری تصوف بر اساس نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی» نوشته نشده است.

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱. آنتونیو فرانچسکو گرامشی

آنتونیو گرامشی فیلسوف، نظریه‌پرداز بنیادین جامعه‌شناسی فرهنگ و ارتباطات بین فرهنگ، اقتصاد، دولت و قدرت و از بنیان‌گذاران و رهبران حزب کمونیست ایتالیا به‌شمار می‌رود. «وی بیست و دوم ژانویه در آلس استان کالیاری در ساردینا متولد شد. پدر او فرانسیسکو پسر سرهنگ ژاندارمری بوروبورن در کائتا در خانواده‌ای با خاستگاه آلبانیایی چشم به جهان گشود. (گرامشی، ۱۳۹۹: ۱۱۱). خانواده گرامشی، سطح متوسطی داشتند. وی بین دهقانان جزیره زندگی خود را ادامه می‌داد و گاهی از مدرسه برای کار کردن فرار می‌کرد. گرامشی به دلیل داشتن برآمدگی در پشت گردن از جانب همکلاسی‌ها و دوستانش مورد تمسخر قرار می‌گرفت و شاید یکی از دلایل عزلت و مطالعه تاریخ و فلسفه از همان سرخوردگی وی نشئت گرفته باشد.

گرامشی مدرسه و جزیره خود را رها کرد و به شمال ایتالیا رفت. در آنجا با سوسیالیست‌ها و کارگران فقیری که از ساردینیا و یا سرزمین‌های فقیرنشین رفته بودند، زندگی خود را گذراند» (همان). آنتونیو پیش از پایان تحصیلات، به حزب سوسیالیست ایتالیا گروید و به‌عنوان روزنامه‌نگار فعال سیاسی شناخته شد و با بهره‌گرفتن از تفکرات خود و ترغیب کارگران برای حمایت از حقوق خود به تشکیل حزب کمونیست کمک کرد. وی از جانب رژیم فاشیستی به بیست سال زندان در رم متهم شد و دقیقاً قبل از سپیده دم ۲۷ آوریل ۱۹۳۷ در درمانگاه کویزی زانا در رم درگذشت.

### ۲-۲. هژمونی



هژمونی در لغت به معنی تسلط، قدرت، غلبه عنصری بر عناصر دیگر است. «هژمونی به کلیتی غایب و به تلاش‌های پراکنده برای بازترکیب و مفصل‌بندی دوباره‌ای اشاره دارد که موجب شده است مبارزه‌های موجود معنادار شوند و به نیروهای تاریخی ایجابیتی کامل عطا شود. بسترهایی که معنی و مضمون هژمونی آشکار شد، زمینه‌های نوعی گسست است؛ شکافی که باید از بین رود و پیشامدی که باید کنترل شود. «هژمونی» ظاهرسازی باشکوه هویت نبود، بلکه جوابی به بحران بود. مفهوم هژمونی حتی در خاستگاه‌های معمولی خویش، به نوعی مداخله تصادفی اشاره داشت که بحران یا زوال توسعه تاریخی به اصطلاح طبیعی ایجاب می‌کرد. پس با لنین‌سیم این مفهوم در شکل نوینی از محاسبات سیاسی مرکزیت یافت و سرانجام با آنتونیو گرامشی این تعبیر نوع جدیدی از محوریت را حاصل کرد که کاربردهای تاکتیکی یا استراتژیک آن را استعلا بخشید. از دیدگاه گرامشی هژمونی به مضمونی کلیدی برای درک وحدت اولیه موجود در صورت‌بندی اجتماعی واقعی تبدیل شد. هر یک از این بسط‌های مفهومی با گسترش چیزی ملازم بود که آن را «منطق پیشامدی» می‌نامیم» (لاکلانو؛ موفه، ۱۳۹۲: ۳۰).

نقطه آغاز نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی، آراء لنین است که اساس تفکرات او بر جنبش کارگری روسیه بنیان نهاده شده بود. هژمونی از دیدگاه گرامشی ارتباطی است که به جای تکیه بر زور و اجبار، از اقناع برای رهبری سیاسی استفاده می‌کند. «مفهوم هژمونی گرامشی از نقطه‌ای آغاز می‌شود که یک طبقه و نمایندگان آن طبقه، قدرت و توانایی خویش را از راه ترکیب اجبار و اقناع بر طبقات پایین‌تر از خود اعمال می‌کند. گرامشی از واژه هژمونی استفاده‌های متفاوت از معنی اصلی آن در زبان یونانی دارد که به معنای غلبه یکی از ملل بر دیگر ملت‌هاست» (راجر، ۱۳۹۴: ۲۹).

۲-۳. مؤلفه‌های هژمونی

۲-۳-۱. هژمونی فرهنگی

فرهنگ مجموعه اعتقادات، عادت‌ها، آئین‌ها، رفتارها و هنجارهای اجتماعی است که با آموزش، به نسل‌های دیگر منتقل می‌شود. «عبارت است از علم افسانه‌ها، آداب و رسوم، معتقدات، ترانه‌ها و به معنی وسیع‌تر همه افسانه‌ها، آداب و رسوم و ترانه‌های سنتی؛ اعم از عامیانه و عادلانه که یک ملت را در برمی‌گیرد» (ماسه، ۱۳۵۷: ۲۵).

### ۲-۳-۲. هژمونی اجتماعی (مدنی)

جامعه مدنی محیطی خصوصی، خانوادگی است که به‌عنوان نهادی مجزا از دولت محسوب می‌شود که حق و حقوق و علاقه افراد را نمایان می‌کند. «لاک جامعه مدنی را جامعه‌ای می‌داند که در آن افراد با اراده و رضایت خود، حکومت ایجاد می‌کنند و به قوانین آن گردن می‌نهند. جامعه مدنی در وجود دولت تجسم می‌یابد. وظیفه حکومت به اجرا گذاشتن قوانین مدنی، به منظور صیانت از آزادی‌ها و حقوق افراد است. دولت در جامعه مدنی، دولت نگهبان است که شرط هر عمل آن، منوط به رضایت افراد است» (بلوم، ۲/۱۳۷۳: ۶۲۵-۶۲۴).

### ۲-۳-۳. هژمونی سیاسی

سیاست به معنای بهره‌مندی از بهترین شیوه‌ها برای نتیجه‌گیری توأم با منافع فردی یا اجتماعی است که در برابر ناهنجاری‌های احتمالی یا چالش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. سیاست واژه‌ای عربی است، به معنای رام کردن اسب چموش، که در اصطلاح مفهوم تدبیر دارد. «سیاست در مفهوم عام هر نوع مشی و راهبردی است که برای اداره کردن یا منفعت‌های بهتر؛ چه فردی چه گروهی است و در اصطلاح امری است که در ارتباط با دولت، مدیریت و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت معنا پیدا می‌کند. تلاش برای نگهداری، کسب یا استفاده از قدرت در راستای اهداف مختلف. سیاست در مفهوم باستانی واژه، دخالت در امر عمومی و در مفهوم نوین، شهر مدرن صنعتی است که کنشگران آن به سیستم سازمان دهنده آن مشروعیت می‌بخشند» (نوذری، ۱۳۸۰: ۲۴۰).

### ۲-۳-۴. هژمونی ایدئولوژی



ایدئولوژی تفکرات و معتقدات سیاسی و اجتماعی است که شخص، گروه، اجتماع به آنها اعتقاد دارند. ایدئولوژی را آنتوان دو تراسی فیلسوف فرانسوی برای نخستین بار استفاده کرد. این کلمه شیوه تفکری است که معتقدان بر اساس آن خط مشی و عملکرد را بهبود می‌بخشند. «ایدئولوژی مجموعه‌ای از ایده‌هاست که به‌عنوان مرجع توجیه اعمال، عمل و انتظارات افراد عمل می‌کند. دولت قدرتمند با توانایی هژمون، با چیره کردن فرهنگ و ایدئولوژی خود بر جوامع دیگر مشروعیت می‌یابد و به واسطه همین امر خواسته‌های خود را شرح می‌دهند و با ایجاد اقناع، امر مطلوب خود را ایجاد می‌کنند» (آجیلی؛ جلوداری، ۱۳۹۶: ۴). از دیگر تقسیم‌بندی‌های هژمونی در این پژوهش هژمونی مذهبی است.

### ۳. بحث و بررسی

#### ۳-۱. بررسی دلایل ظهور تصوف و متصوفه در سده‌های آغازین طبق نظریه هژمونی

##### ۳-۱-۱. هژمونی دینی

##### ۳-۱-۱-۱. اهمیت دین و فطرت خداآشنای انسان

به اعتقاد مسلمانان، عرفان و تصوف طریقی آمیخته از فلسفه و دین است که راه رسیدن به حق را نشان می‌دهد و این نیل به معشوق حقیقی محدود بر سیر اندیشه و مشاهداتی که منجر به شوق و وجد می‌شود، است؛ بنابراین دین و به‌خصوص دین اسلام، یکی از عوامل پیدایش تصوف است که درنهایت به صورت اسرارآمیزی انسان را به خداوند متصل می‌کند. دین به طور معمول سازمانی اجتماعی و فرهنگی از باورها، اخلاق، جهان‌بینی، اعمال، متون مقدس است که انسان‌ها را به امور معنوی پیوند می‌دهد. به اعتقاد شلایر ماخر: «دین عبارت است از احساس خداآگاهی» (نراقی و سلطانی، ۱۸). «دین عبارت است از شناخت تکالیف ما به عنوان احکام الهی» (کانت، ۱۳۹۵:



«تمام منابعی که سرچشمه تصوف فرض شده‌اند، همه تا میزانی صحیح است و جزئی از کل محسوب می‌شوند، اما هیچ کدام علت اصلی شکل‌گیری آن نیستند... تصوف مسلکی پرشور و نهضتی است که دارای روح حیات است. صوفیان عناصر گوناگونی را که از منابع گوناگون اخذ کرده‌اند به نحوه خشک و ساده اقتباس نکردند، بلکه آن عناصر خارجی را در بوتۀ ذوق ویژه خود ذوب کردند و به صورت یک چیز مستقل جداگانه در آوردند که فقط با تجزیه و تحلیل ریز می‌توان به عناصری که دست در ترکیب تصوف داشتند، پی برد» (غنی، ۱۳۷۴: ۶۴). دین و مذهب یکی از سرچشمه‌های تصوف شمرده می‌شوند که متصوفه در آغاز کار، آنها را برگرفتند و به تدریج مفاهیم آن را در بوتۀ ذوق خود ذوب کردند و به شکل تصوف درآوردند. انسان به دلیل تأثیرات دین، ویژگی‌های فطری خود و سرشت خداآشنا، همواره به دنبال حقیقت مطلق است و در جستجوی او، به جانب زهد و معرفت قدم می‌گذارد. عرفان و تصوف همواره بین اقوام پیشین چون نصارا و... نیز حضور دارد و در دورۀ خلفا نیز در جلاب زهد دیده می‌شود. «قواعد و قوانین رفتاری که دین بر انسان‌ها ارائه می‌کند به یک دولت یا زمان معینی متعلق نیست، بلکه به انسان در هیئت یک پدر، پسر، نوکر، همسایه و... تعلق دارد. از آن رو که این قوانین بر ذات پاک بشر تکیه دارد، برای عموم مردم در تمام جهان متناسب هستند. به همین دلیل انقلاب‌های مذهبی برخلاف انقلاب‌های سیاسی که به کشور و مردم یک ملت و زادگاهشان محدود شده‌اند، گستره بسیار وسیعی داشته‌اند» (روبرت؛ سیمور، ۱۳۷۳: ۱۹). با توجه به اینکه قوانین رفتاری دین بر همه انسان‌ها یکسان است و سرشت هر فردی به دنبال آفرینندۀ یکتاست و در طلب رسیدن به ساقی ازلی و ابدی است. با توجه به نظریه هژمونی گرامشی و مباحثی که در مبانی نظری مطرح شد، هژمونی به جای تکیه بر زور و اجبار بر اقناع تکیه دارد و چه اقناعی بهتر از این که هر شخص در دل خود جایی برای معبود خود داشته باشد. این عامل را می‌توان مهم‌ترین عامل رشد و گسترش تصوف دانست؛ زیرا تصوف راه‌های رسیدن به خالق را در اختیار مخلوق مشتاق قرار می‌دهد و در صورت رعایت مسائل وی را به وصال حق جلّ و علا می‌رساند.



## ۳-۱-۱-۲. ظهور دین اسلام

به صورت دقیق نمی‌توان تبیین کرد که اسم تصوف و صوفی از چه هنگامی ظهور پیدا کرد، اما آنچه معلوم است این است که در زمان پیامبر (ص) به سبب اینکه مسلمین به جنگ مشغول بودند و نیز از جنبه عدم توجه به مناقشات مذهبی، فرصتی برای پرورش تفکرات صوفیانه ایجاد نشده بود. در زمان ابوبکر و عمر نیز مسلمانان به سرزمین‌های همجوار حمله کردند و از آنجایی که کل این مدت به نزاع صرف می‌شد، فرصتی برای تقابل تفکر باقی نگذاشت و در عصر خلافت عثمان و حضرت علی (ع) محیط مناسبی برای توسعه تفکرات مختلف مذهبی ایجاد شد» (حسینی، ۱۳۸۸: ۶۵). ایرانیان بعد از اینکه در جنگ‌ها مغلوب شمشیر عرب شدند، استقلال خود را از دست دادند و به حکم غریزه حفاظت از جان زیر بار دیانت اسلام رفتند. بعد از کشمکش‌ها، انفعالات روحی ملت ایران به صورت کشمکش‌های فکری درآمد و اصلی‌ترین نتیجه این عکس‌العمل‌ها ظهور یا شدت دو عامل بود که یکی تشیع و دیگری تصوف بود (غنی، ۱۳۷۴: ۳-۴).

یکی از علل رواج عرفان و تصوف در قرن سوم ظهور دین اسلام است. با گسترش تصوف، آئین ساده و زاهدانه مشایخ صوفیه جای خود را به خدمت و محبت به خلق داد و جنبه عملی به خود گرفت «در این قرن صوفیه در قالب طبقه خاص اجتماعی با آداب خاص طریقت متشکل شدند و از سویی مورد انتقاد شدید فقها و متشرعان بودند. به طوری که بایزید را به عقیده اتحاد و حلاج را به اعتقاد به حلول متهم کردند» (سجادی، ۱۳۸۸: ۵۰). در قرن اول اختلاف زیادی میان یک صوفی و یک مسلمان متعبد نبود. آنها هم کاملاً به شریعت پایبند بودند و دلیل عزلت‌گزینی آنها دقت و تفحص در احادیث و آیات بود. تنها فرقی که میان آنها با بقیه مسلمانان وجود داشت، این بود که صوفیان به بعضی از اصول قرآنی همانند ذکر، توکل و... بسیار اهمیت می‌دادند.

## ۳-۱-۱-۳. توجه به باطن شریعت

از مطالب قابل ملاحظه این عصر توجه به باطن شریعت است. در این دوره به تدریج زمزمه‌هایی از عدم توجه به ظاهر شریعت و دقت در باطن آن به گوش می‌رسد. اساس تصوف؛ از آغاز اسلام، ظهور داشته است و برخی از صحابه و تابعین، از زاهدان زمان خود به شمار می‌رفتند؛ ولی آنچه به‌عنوان تصوف شناخته شده است، به معنای طریقت شناخته‌شده عرفانی مقید به آداب و رسوم به‌خصوص در جوار دستورهای شرع است و حتی در اعصار بعدی نیز با وجود تغییراتی که نسبت به سده‌های آغازین ایجاد شده بود، از جمله توجه به باطن شریعت، ظهور نام تصوف، زمزمه‌هایی از وحدت وجود و... باز صوفیان این دوره میان‌رو هستند، احکام شرعی را رعایت می‌کنند و بقیه مسلمانان آنها را اهل بدعت محسوب نمی‌کنند.

«اساس زندگی عارفان در قرن دوم هجری مبتنی بر دو اصل مهم است:

۱. توکل غیر محدود بر خدا به حدی که به بیخودی می‌رسید و حتی سالک به خود اجازه نمی‌داد در زمان ابتلا به بیماری برای علاج و نجات خود به دعا متوسل شود و از درگاه خدا طلب شفا کند.
۲. امید بیش از اندازه به خدا به طوری که رحمتش شامل همه چیز و همه کس است و اجتناب از ترس، زیرا هیچ کس به استحقاق عمل، مستوجب نجات نمی‌شود. خدا توبه گناهکاران را قبول می‌کند و می‌بخشد» (غنی، ۱۳۷۴: ۲۹-۳۰).

۳-۱-۲. هژمونی مدنی (اجتماعی)

۳-۱-۲-۱. اوضاع اجتماعی جامعه

شرایط اجتماعی به پیدایش جنبش نیرومند ترک دنیایی و ریاضت‌کشی در اصلی‌ترین مراکز حکومت خلفا منجر شد. مجاهدات درونی و... در مسیر ایجاد شالوده فلسفی نه‌تنها از رشد و شکوفایی این جنبش ممانعت نکرد؛ بلکه کار توسعه و شکوفایی ایجاد شالوده فلسفی را به شتاب انداخت. اعتقاد به ترک دنیا با حفظ بسیاری از مؤلفه‌های



نخستین خود در عین حال به دنبال استدلال نظری تعلیمات خود شروع کرد. زهاد در جستجوی براهین لازم احتمالا در مباحثه با مخالفان هم از تعبیر و نحوه‌های دین‌یاران و هم از تعبیر و شیوه‌های مکاتب فلسفی استفاده می‌کردند. در جامعه مسائل بسیاری سبب می‌شود که گروهی قدرت را در دست بگیرند. «برای تحولات اجتماعی باید به دنبال عوامل تغییر بود. به اعتقاد فوکو قدرت با تمامیت جامعه در هم تنیده شده است و نه تنها در صدر و نهادهای سرکوبگر دولتی» (بوکوک، ۱۳۹۹: ۳۱). در به قدرت رسیدن تصوف این عصر عوامل بسیاری دخیل بوده است «در میان علل اجتماعی بسیاری که در گسترش تصوف تأثیرگذار بود، دو مطلب قابل ملاحظه است:

۱. مسلمان‌های صدر اسلام افرادی بودند بسیار فقیر با زندگی بدوی بسیار ساده و بدون تکلف. فتح ممالک همجوار منجر شد این مردم فقیر، ثروت زیادی کسب کنند و این جماعت بادیه‌نشین همانند انسان‌های اول با تمدن‌های پرتجمع ارتباط پیدا کنند. جامعه مسلمانان به دنبال این فتوحات گسترش یافت.

۲. مطلب دیگری که در برانگیزاندن دماغ مسلمانان صدر اسلام و سوق دادن افکار آنها به زهد و تصوف تأثیرگذار بود و از علل مهم اجتماعی به شمار می‌رود، نزاع‌های داخلی و ظلم‌های امرا و پرداختن به امور مادی است» (غنی، ۱۳۷۴: ۲۰).

### ۳-۲-۱-۲. ظهور برخی از شخصیت‌ها

وجود برخی از شخصیت‌ها که اعتقادات خاصی دارند و در پیشرفت یک ایدئولوژی یا جهان‌بینی در جامعه نقش پررنگی دارند، در طول تاریخ قابل مشاهده است؛ چنانچه حضور پاکدلان و پارسایان در شکل‌گیری مکتب تصوف چشم‌گیر است. «پاکدلان خشمگین که از میان محدثان برخاسته بودند و مخالف حکومت فئودالی و اشرافی بنی امیه بودند، بنیان‌گذاران جنبش تصوف بودند. در این زمان هنوز تعبیر صوفی وجود ندارد و زاهد و عابد نامی به آنها اطلاق می‌شود» (برتلس، ۱۳۸۲: ۸). واژه صوفی نخست در کوفه متداول شد و نزدیک به پنجاه سال بعد ارزش

فوق‌العاده‌ای پیدا کرد؛ زیرا در این تاریخ هدف از صوفیه جامعه عراق بود، در برابر ملامتیه که عرفای خراسان بودند و از سده چهار این حدود از بین رفت و تمام عرفای مسلمان را صوفی نامیدند. البته بیشتر بزرگان صوفیه، این بررسی‌ها را قبول ندارند (حسینی، ۱۳۸۸: ۶۷). در این عهد نخستین کسی که صوفی نام گرفت، ابوهاشم کوفی است. تصوف در این زمان به دلیل هراس و خوف از خدا بود، رفته رفته با حضور اشخاصی چون رابعه عشق نیز با خوف آمیخته می‌شود. هژمونی به معنی اعمال قدرت با رضایت جمعی است. آنتونیو از لفظ هژمونی استفاده کرد تا بگوید به چه نحوی یک طبقه اصلی رهبری خود را با روشن ایجاد یک عقل سلیم بر دسته‌ها عملی کند (راجر، ۱۳۹۹: ۴۷). «در قرن دوم هجری گروهی از مردم وجود دارد که زندگی غریبی داشتند، به این صورت که ظاهر حالات آنها شباهتی به بقیه مردم نداشت و قهراً اسم مخصوصی باید به آنها داده شود که «صوفی» است. بعضی از آنان در قسمت‌هایی دور از جمعیت صومعه‌هایی برای خود ساخته‌اند و در آنجا به زندگی خود ادامه می‌دهند و بعضی در مغاره‌ها گوشه‌نشین شده‌اند و گروهی در صحراها می‌گردند» (ابن خلدون، فصل ۱۱). پیدا شدن این اشخاص در اجتماع سبب شد تا مردم گامی در شناخت این افراد بردارند. از این صوفیان آغازگر می‌توان به اویس قرنی، حسن بصری، ابوهاشم کوفی، ابراهیم ادهم، سفیان ثوری، معاذ عدویه اشاره کرد. حضور این اشخاص که به‌عنوان مهره‌های تصوف هستند و اعمال و رفتار آنها مظهر عقایدشان است، سبب شد توجه مردم به آنها جلب شود و درصدد شناخت، گرویدن به آنها برآیند تا اینکه عرفان رهبری فکری بسیاری از مردم را به دست گرفت و با اقناع جمعی ابعاد نوینی یافت، سمت و سویی علمی پیدا کرد و به تدریج در سده سوم هجری عرفان به نحله و مسلک رسمی تبدیل شد.

برای اینکه میزانی کسب کنیم که تصوف سده دوم چه تغییراتی پیدا کرده و چگونه به کمال رسیده است، کافی است سه شخصیت تصوف (معروف کرخی، سری سقطی و جنید) را مقایسه کنیم. خانواده کرخی ترسا بودند و به اسلام گرویدند، وی مردی زاهد بود که از دنیا کناره‌گیری کرده بود و زهدش به میزانی بود که می‌خواهد تنها پیراهنی که دارد صدقه دهد تا همان گونه که برهنه متولد شده بود، دار فانی را ترک کند. عطار می‌گوید: «چون



وفات کرد از غایت تواضع او همه ادیان در وی دعوی کردند جهودان و ترسایان و مومنان گفتند که وی از ماست» (عطار، ۱۳۸۷: ۲۷۹). سری سقطی مرید معروف کرخی است که در افکار و گفتار خود تفاوت‌هایی با کرخی دارد. وی علاوه بر ریاضت زیاد، نسبت به خلق خداوند بسیار مهربان بود، از حقایق توحید و عشق سخن به میان می‌آورد و بحث‌های تازه‌ای بر زبان می‌راند: «زبان تو ترجمان دل تو از روی تو آینه دل تو بر روی تو پیدا شود آنچه در دل پنهان داری» (همان: ۲۹۴). بعد از این دو شخص جنید که «سید الطایفه» لقب دارد و به «سلطان المحققین» معروف است، مقام شامخی در تصوف اسلامی دارد. مظهر کمال تصوف میانه‌رو محسوب می‌شود و چون در سخنان او تعمق شود، درک می‌شود که تصوف با او به دوره جدیدی داخل شده است. صوفیان این عصر دست از ریاضت به حد افراد برداشته بودند و معتقدند رضایت از حق مرتبه اول است و به مقدمه‌ای برای حیات روحانی می‌ماند. او می‌گوید «سی سال بر در دل نشستم به پاسبانی و دل را نگاه داشتم تا ده سال، دل من مرا نگاه داشت. اکنون بیست سال است که نه من از دل خبر دارم و نه از من دل خبر دارد» (همان: ۳۸۰).

از سخنان جنید برمی‌آید که وی اطاعت را علت تام رهایی محسوب نمی‌کند و از افراط در زهد و فخر به فقر دوری می‌کند و به صورت ظاهر ارزش قائل نیست. «برخی سخنان وی به مسئله وحدت وجود تکیه می‌کند. از مقایسه سخنان جنید با گذشتگان درک می‌شود که تغییرات فکری مهم، تفکرات نوین، اصطلاحات و تعبیرات ویژه‌ای ایجاد شده است از قبیل عدم اعتنای به مرقع و پشمینه‌پوشی و عقیده به آنکه زهد و عبادت منظور غایی نیست؛ بلکه مقدمه‌ای برای منظور والاتر، عشق، محبت و یکسان دانستن عارف و معروف و همه چیز را مظهر حق دیدن است» (غنی، ۱۳۷۴: ۵۱-۵۳). این تحولات تفکر که در کردار مشایخ نمود پیدا کرد، توجه مسلمانان و به‌ویژه فقها را به خود جلب کرد و اذهان مردم را تسخیر کرد و بدون هیچ جبری رهبری اذهان را به دست گرفت، تبدیل به هژمون شد و رضایت همگان را به بار آورد.

در اواخر قرن دوم زمینه غالب مباحث حقیقی عرفان همانند عشق الهی و وحدت وجود ایجاد شده است و تخم سخنان قرون بعد را در کلمات صوفیه که هنوز یک دسته زاهدی بیش نیستند، می‌بینیم. «تنها کسی که در میان صوفیان بیشتر از محبت الهی دم می‌زند، رابعه است که ظاهراً تصوف حقیقی با ظهور او آغاز شده است، به این صورت می‌توان گفت از اواسط قرن دوم که عهد رابعه است، تخم تصوف حقیقی کاشته می‌شود، اما ثمره تخم در عصر بعدی به ظهور می‌رسد» (غنی، ۱۳۷۴: ۳۱).

«در این مرحله این شخصیت‌ها، بعضی اصول و فروع تصوف را طرح کردند، ولی این اصول و فروع، به صورت کامل و منظم شکل نگرفته است. به این صورت که عرفان و تصوف پی‌ریزی شد و در مرحله‌های بعدی به رشد و کمال رسید» (یثربی، ۱۳۹۵: ۱۲۸). با طرح نظریه هژمونی و توجه به آنچه در مبانی نظری تبیین شد، می‌توان اذعان کرد طرح مباحث اولیه تصوف، جالب توجه بودن مباحث مطرح شده، گرویدن اشخاص والامقام در قرون دوم، از عواملی بود که در جامعه برای رهبری این طبقه اجتماعی تلاش کردند.

طرح مباحث اصلی و فرعی، در این عصر زبان مرموز و به‌خصوصی ندارند و واژه تصوف و عرفان از اسم‌های دوره بعدی است» (حسینی، ۱۳۸۸: ۶۶). مبحث وحدت وجود نیز با آن که بسیار کم در سخنان مشایخ دیده می‌شود، اما باز زمینه آن در حال ایجاد شدن است، ولی از صراحت گفتار بایزید بسطامی و امثال وی که با صدای بلند «انا الحق» می‌گفتند، در آن خبری نیست.

### ۳-۱-۲-۴. ظهور برخی از فرقه‌ها

واصل بن عطا بنیان‌گذار فرقه معتزله است. این تعبیر به معنای دوری کردن از دنیا و امور متعلق به دنیاست. «به نظر این فرقه عدل و خواست مطلق الهی جهان را اداره می‌کند. این فرقه در تعلیمات خود تقدیر را به تمامی نفی



کردند. به اعتقاد آنها چگونه ممکن است خداوند توانای عادل انسان را در برابر اعمالی که خود به انجام آنها امر می‌کند، بازخواست کند؟» (برتلس، ۱۳۸۴: ۱۹).

هژمونی به معنای رهبری توده‌های تعلق یافته به طبقات در یک دولت-ملت است (بوکوک، ۱۳۹۹: ۶۵). فرقه معتزله که از فرقه‌های تصوف محسوب می‌شود، در اواخر قرن دوم به کامیابی‌های خاصی دست یافت، به طوری که مامون تعلیمات معتزله را مذهب رسمی اعلام کرد. وجود فرقه معتزله را در رشد و رواج تصوف این عصر، می‌توان نقطه عطفی محسوب کرد که در رهبری گروه‌های متعلق به طبقات مردم نقش به‌سزایی داشت

### ۳-۱-۳. هژمونی فرهنگی

#### ۳-۱-۳-۱. سبک زندگی پیامبر(ص) و یاران ایشان

زندگی شخصی حضرت محمد(ص) و بعضی از یاران وی، زندگی زاهدانه بود. دسته‌ای از صحابه و تابعین زندگی آنها را سرلوحه زندگی خود قرار داده بودند. کسانی چون سلمان، اویس قرنی، اباذر با افرادی به قبرستان رفته بودند و در آنجا مسکن گزیده بودند و عبادت می‌کردند. «در این دوره اهل صفة که زندگی مشقت‌بار داشتند حضور دارند و عبارتند از ابن عباس، ابوذر، حنظله، سلمان فارسی، انس بن مالک و... علاوه بر اهل صفة تابعین نیز زندگی زاهدانی داشتند از میان تابعین می‌توان به پیروان حقیقی تعالیم اسلام نخست به‌عنوان صحابه شناخته شدند، سپس به‌عنوان تابعین و سپس به‌عنوان تابعین تابعین و بعد از آن به‌عنوان عباد و زهاد و درنهایت با نام صوفیه در جامعه معروف شدند» (قشیریه، باب دوم).

بین دو تعبیر «فرهنگ» و «هژمونی» ارتباط مستقیمی وجود دارد؛ به طوری که می‌توان گفت مؤلفه فرهنگ واسطه تحقق هژمونی و شرط آن است» (عبدالملکی؛ فیروزیان‌پور، ۱۳۹۹: ۸). مردم با دیدن چنین زندگی زاهدانه



همراه با یاد دائمی از خداوند، فرهنگ آنها را در زندگی خود پیاده می‌کردند و این امر سبب ترویج تصوف و زندگی زاهدانه بدون اجبار می‌شد.

### ۳-۱-۳-۲. کمک صوفیان به مردم مظلوم

اکثر مشایخ متصوفه به صورت مذهبی با ساده‌ترین وضعیت زندگی می‌کردند. آنها اغلب جامه مرقعی به‌عنوان خرقة می‌پوشیدند. مسائل دیگری در تقویت نفوذ معنوی این طبقه در جامعه دخیل بود و آن تلاشی بود که در حل مسائل و مشکلات مردم ستم‌کشیده و قهاری جباران عصر از طریق تبیین مطالب عارفانه در خانقاه‌ها با کمک متصوفه و مبارزات مداوم علیه ستمگران انجام می‌شد. تفکرات صوفیانه توأم با تفسیر آیات و احادیث، توجه و اهمیت دادن به باطن، منشور تغییرناپذیر خانقاه‌ها بود. قدمات صوفیه تلاش بلیغ می‌کردند تا برای شیفتگان تصویر واضحی از جهان ستایش‌انگیز تصوف جلوه دهند و این مدینه فاضله را به روشنی برای آنها نمایش دهند. به همین منظور تمرین تعلیم و تمرین اذکار مخصوص و نیایش را مفتاح امور باطنی و مکاشفات محسوب می‌کردند (تدین، ۱۳۸۲: ۲۵).

فرهنگ رفتاری مشایخ در مواجهه با دیگران، توجه به مظلومان جامعه سبب می‌شد، سیمای مثبتی پیدا کنند و در مخیله مردم با وجوه مثبت ثبت شوند، با توجه به نظریه هژمونی گرامشی می‌توان گفت همین کردار صوفیان سبب می‌شود، آنها به یک گروه متمدن در جامعه تبدیل شوند و اذهان مردم را به حقانیت راهشان راهنمایی کنند.

### ۳-۱-۳-۳. تحریر کتاب

در سده سوم هجری افراد و متصوفه با تمرینات مختلف ریاضت مأبانه به ایفای نقش بزرگی در اجتماع آغاز کرده بودند. به دنبال این تمرینات مرتاض‌گونه نوعی درون‌نگری، مراقبت و نظارت بر احوال دونی نیز به تدریج آغاز شد. « حارث محاسبی نقش اساسی در طرح نظری شالوده این درون‌نگری ایفا کرد. وی در تمایز با زاهدان پیش از خود،



اطلاعات کاملی در الهیات داشت و به همین دلیل توانست برای ابداع اصطلاحات دقیق تعالیم خود تلاش کند. او در کتاب الرعاية لحقوق الله، درباره شیوه‌های درون‌نگری و محاسبه نفس توضیح داده است. کتاب محاسبی مجموعه دستورالعمل‌هایی درباره سیر و سلوک و تزکیه نفس است. این کتاب در تاریخ تصوف ارزش والایی دارد؛ زیرا تقریباً همه مؤلفینی که بعد از آن تألیفاتی در باب طریق متصوفه دارند، از این کتاب استفاده زیادی کرده‌اند» (برتلس، ۱۳۸۲: ۲۹-۳۰).

«این کتاب موجب شد، علاقمندان تمایلی شگرف برای شرکت در محافل مشایخ از خود بروز دهند و تمرینات تصوف به‌خصوص چله نشینی در خانقاه‌ها به نوعی سرگرمی یا به پیشه تبدیل شد. متصوفه به مردم القا کردند که دانش تصوف سبب می‌شود انسان مشتاق به معرفت، مایه‌های انسانی را تا حد متعالی دریافت کند» (تدین، ۱۳۷۵: ۲۰).

انتشار کتاب یکی از امور فرهنگی و اجتماعی است که در ثبت نام اشخاص، مکاتب، رویدادهای جامعه نقش به‌سزایی دارد و سبب می‌شود علاوه بر اینکه نام اشخاص، مکاتب و... در تاریخ ثبت شود، روش و مسلک آنها نیز تبلیغ شود. این امر سبب تسلط امر مورد تبلیغ است که موجب قدرت یافتن آن می‌شود و سبب دریافت اقتناع و رضایت جمعی در جامعه می‌شود.

### ۳-۱-۳-۴. درون‌نگری زاهدان

جنبش ریاضت‌کشی در آغاز سده سوم انگیزه‌گرایش به مؤمن‌نمایی شد و حتی به ظهور فرقه ویژه باکون؛ یعنی زهادی انجامید که با گریه همیشگی و قرائت قرآن در برابر مردم توبه می‌کردند «این گرایش چنان نیرومند بود که حتی محافل حاکمه نیز از آن تأثیر پذیرفته بودند. درون‌نگری زاهدان بر این عادت ضربه سنگینی وارد کرد. برای



مکتب محاسبی اینکه حالت درونی مؤمن با کردار او متناسب باشد، اهمیت داشت. آنها تمایل داشتند که به حالت درونی اهمیت بیشتری قائل باشند» (همان: ۳۰).

در بخشی که ذکر شد، دو دسته از زاهدان را می‌بینیم. عده‌ای که مؤمن‌نمایی می‌کردند و در میان آنها ریاکاری بیشتری صورت می‌گرفت و عده‌ای که با این روش مقابله کردند و راه مخالف آنها یعنی عدم نمایش، دورنگری و روی آوردن به نیت و اصل امور را انتخاب کردند. حضور دسته دوم زاهدان که نیت را اصل بر تظاهر می‌دانستند، سبب شد تصوف سیمای مثبتی در جامعه پیدا کند که با ریاکاری مخالف است. زمانی که اذهان مردم بر صحیح بودن درون‌نگری زاهدان صحنه گذاشت، این تفکر قدرت یافت و اذهان عموم را به جانب خود سوق داد که با توجه به نظریه گرامشی می‌توان گفت این یک هژمونی فرهنگی است که بدون اجبار و سلطه‌ای، یک فرهنگ موجب اقناع دسته جمعی اذهان شده است.

### ۳-۱-۳-۵. گرایش به زهد

در این عصر رعایت حدیث عرف بود به این معنی که در کل جزئیات زندگی شخصی برای تقلید از زندگی بنیان‌گذار اسلام سعی به عمل می‌آمد که زندگی را توأم با ریاضت و ترس همیشگی از خداوند و اجتناب از هر آنچه ممکن است حرام باشد، تصور می‌کردند؛ بنابراین واضح است که در بین این محدثان گرایش به زهد توسعه پیدا می‌کند و می‌توان آن را همانند نخستین جلوه ظهور تصوف دانست. «روگردانی از خوشی‌ها و زیبایی‌های دنیا که پلوتینوس گفته بود، در شرق آن را به بیکار زندگی کردن، زن نگرفتن و... عوض کردند، انگیزه دیگر پیش‌روی سریع صوفی‌گری شد» (کسروی، ۱۳۲۲: ۱۲). در نظریه هژمونی تغییرات در خلاء روی نمی‌دهد. رویدادهای اجتماعی و فرهنگی، به صورت پیوسته عامل این تغییرات هستند. چنانچه دیده می‌شود عوامل فرهنگی-اجتماعی بسیاری چون گرایش به زهد با اقناع مردم جامعه، زمینه ایجاد و تغییر تصوف را ایجاد کرده‌اند.



## ۳-۱-۴. هژمونی ایدئولوژی

## ۳-۱-۴-۱. اعتقاد بر فانی بودن دنیا

وجود عقیده برتری زندگی آخرت و دنیا و اینکه دنیا و آخرت در یک جا جمع نمی‌شوند و به همین دلیل هر کس در پی آخرت باشد، نباید به دنیا بپردازد و برعکس، به صورت مؤکد در آیات و احادیث مطرح شده است. زاهدان بر این آیات و احادیث استناد می‌کردند. تشویق مردم به اعراض از دنیا نخستین شراره‌های تصوف را در این عهد روشن کرد. در این رابطه به‌عنوان مثال به چند آیه می‌پردازیم.

«قل متاع الدنيا قليل والآخرة خير لمن اتقى؛ بگو: زندگانی دنیا متاعی اندک است و جهان آخرت برای هر کس که خداترس باشد بهتر از دنیاست» (نسا/ ۷۷).

«يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ؛ ای قوم، این زندگانی دنیا متاع ناچیزی بیش نیست و سرای آخرت منزلگاه ابدی است» (غافر/ ۳۹).

«آیات قرآن یاران حضرت محمد را شدیداً تحت تأثیر قرار داد؛ به طوری که دور هم گرد آمدند و تصمیم گرفتند که از زندگانی دنیای دست بشورند. هرچند حضرت محمد مانع افراط و تفریط آنها بودند، ولی زهد و امتناع از لذت‌های دنیوی و عبادت بدون شک امری پسندیده بود. گروه «قراء» «بکائین» و «عباد» از این دسته بودند. تأکید بر اخلاص، توکل، صبر، توبه، رضا و ذکر در قرآن کریم و دین مبین اسلام سبب شد صوفیان در زندگی خود چیزی جز ذات حق را مد نظر قرار ندهند» (یثربی، ۱۳۹۵: ۱۹۸).

«ایدئولوژی سیستمی از ایده‌هاست که بر اندیشه یک شخص یا گروه اجتماعی چیره می‌شود. ایده‌های ایدئولوژی معنوی و ایدئال نیستند؛ بلکه وجود مادی دارند. بنابر نظر گرامشی ایدئولوژی با بازنمایی حقیقت به جای خود حقیقت، ارتباط خیالی افراد را با ارتباط واقعی که در آن به سر می‌برند، می‌سازند» (Altusser, )

۱۲۵-۱۲۰: ۱۹۹۵). چنانچه مشهود است استناد به آیات قرآنی و تبلیغ آن از جانب متصوفه سبب می‌شود افراد از دنیا دوری کنند. «مذهب گاهی امکان دارد به ایدئولوژی بدل شود و ایدئولوژی نام بگیرد» (بوکوک، ۱۳۹۹: ۱۶۳). بحث در آیات قرآنی و مذهبی به یک ایدئولوژی در جامعه تبدیل شده بود و افراد سعی داشتند هرچه بیشتر خود را به کلام خداوند نزدیک‌تر کنند که در نتیجه این عمل و تفکر حاکم بر جامعه که قدرت یافته بود، موجب شد تصوف رشد پیدا کند.

### ۳-۱-۴-۲. باور به دوری از نفس پرستی

خداوند فرموده است، «به ازای یک قدم به پیش آمدن بنده، من ده‌ها قدم، پای پیش می‌نهم» (کنز العمال، ح ۱۱۳۳)؛ بنابراین خداوند برای کسی که از پرستش نفس دوری کند و در مسیر قرب الهی قدم بگذارد، درهای رحمت خود را می‌گشاید. «محبوب‌ترین بندگان خداوند شخصی است که باری تعالی او را در جهاد با نفس کمک کند، به طوری که بر نفس پیروز شود. میل به چیزی در وجود خود احساس نکند مگر از راه حق. خشمگین نشود مگر در راه خداوند (تدین، ۱۳۸۲: ۲۱).

سیر کمالی سالک، از عدم دلبستگی‌ها شروع می‌شود و در زدودن نیازمندی از همه پلیدی‌ها وارسته می‌شود. برای سالک، ارتباط با دنیایی معنوی، در سراچه تنگ تن از کانال دریچه‌ای به اسم دل که پایگاه اشراق و الهام است، مهیا می‌شود تا خودپرستی را در میدان نبرد حیات با اراده‌ای استوار و توکل به ذات خداوند یکتا نابود کند و به حریم عرش الهی نزدیک شود و در نتیجه هستی او از نعمات مکاشفه که فروغ والایی دارد، سرشار شود. اساس عرفان دوری از خودپرستی، شهوات، گذر از خود و وصل به حقیقت مطلق است. در اعصار نخستین که دوری از شهوت مدام در جامعه تبلیغ می‌شد، در اصل، اساس تصوف تبلیغ می‌شد و چون می‌دیدند متصوفه از شهوت پرستی اجتناب می‌ورزند، اعمال و کردارشان برای وصال به حق است، به طریق آنها رضایت می‌دادند و همین رضایت و روی آوردن به آن در جامعه سبب می‌شد، عرفان پررونق‌تر به مسیر خود ادامه دهد.

**۳-۱-۴. باور به پاداش و جزا**

«می‌دانیم که آیات مربوط به وعده و وعید نیروی بلاغی بیشتری دارند. ترسیم هراسناک آتش دوزخ با غریو نعره هل من مزید (یعنی گناهکارانی که باید در کام آتش بلعیده شوند) لازم است در آن زمان اثر لرزاننده‌ای داشته باشد. سیمای خداوند در مقابل مؤمنان به صورت داوری سختگیر قهار جلوه‌گر بود که مراقب هر حرکت اوست. هر چند که پروردگار صفات الرحمن الرحیم دارد، ولی هشدار می‌دهد هیچکس را از مجازات راه‌گریزی نیست و هر کس در طول زندگی‌اش باید در برابر کم‌ترین قصوری که کرده است، پاسخ دهد (برتلس، ۱۳۸۲: ۷).

باور به اینکه خداوند، انسان را آزاد آفریده است و انسان در قبال اعمال خود مسئولیت دارد و نظام کیفری در پس این جهان وجود دارد، سبب می‌شد اشخاص در درون خود احساس خوف و رجا داشته باشند. خوف از بازخواست و رجا به لطف و رحمت باری تعالی. مکتب تصوف که این باور را در اذهان مردم رهبری می‌کرد و مدام به اعمال نیک و دوری از رذایل دعوت می‌کرد، نظر خدادوستان را به خود جلب می‌کرد و سبب نفوذ در افکار، باور و اعتقاداتشان می‌شد که در نهایت به تسلط این مکتب در جامعه می‌انجامید.

**۳-۱-۴. باور به مراقبت از اعمال**

اگر شخص حس کند، کسی که او را آفریده است، مدام بر اعمال او مراقبت می‌کند و در قبال هر عملی که انجام می‌دهد، مسئول است، سبب می‌شود مراقب سخنان و رفتار خود باشد «استناد به آیاتی چون فاینما تولوا فثم وجه الله؛ به هر کجا که رو کنید آنجا سیمای خداست و بی‌شک تعمق در این آیات می‌بایست در افرادی که از محرومیت و کار سخت رنجور بودند، این حس را ایجاد کند که مدام نگاهی به سوی آنهاست و به این ترتیب وهمی عرفانی آنها را فرو گیرد. این مؤلفه عرفانی روشن‌تر از همه در اولین زن معروف این جنبش به نام رابعه بنت عدویه مشاهده می‌شود» (همان: ۱۰). «بهترین درک از هژمونی سازماندهی اقلان یا ایجاد و دریافت رضایت فاقد خشونت است. به

اعتقاد گرامشی، هژمونی فقط شامل اتحاد دسته‌های مختلف از طریق مفصل‌بندی نیست، بلکه ایجاد رهبری سیاسی است که خود را در ظاهر به‌عنوان یک فضای بی‌طرف برای ثبت طیف وسیعی از خواسته‌های سیاسی نشان می‌دهد» (Smith, ۱۹۹۸: ۱۶۶). حاضر دیدن کسی که بر اعمال انسان نظارت دارد و باور به اینکه اعمال و کردار مداوم از جانب قدرت مطلق، آفریننده قهار ثبت و ضبط می‌شود، سبب شد بدون اعمال زور و خشونت خاصی اذهان افراد متحد شود و به جانب تصوف و عرفان که تبلیغ‌کننده اصلی این نوع نگرش است، رهنمون شود.

### ۳-۱-۵. هژمونی سیاسی

در عصر زندگی حضرت محمد(ص) مکه و مدینه سازمان مذهبی بود که دولت اشرافی به معنای کامل کلمه به طور عملی در آن موجود نبود و در آن دولت، هر دستوری قانونی همانند حکم مستقیم الهی تلقی می‌شد. می‌توان این گونه تصور کرد که روش زندگی ابوبکر و عمر با روش زندگی هر فرد در جامعه و حتی با زندگی کسانی که از جنبه مادی کمتر تأمین بودند، تمایز بسیار اندکی داشت و فقط در عصر عثمان، سومین خلیفه بود که خصلت دولت تغییر پیدا کرد؛ البته اسم آن هم در منابع همانند مرد مقدس و درستکار و باحیا جلوه‌گری می‌کند، اما شورش‌هایی که در عصر وی شروع شد به قتل او منجر شد. «زهد مسلمانان صدر اسلام میانه‌رو بود؛ یعنی مسلمانان مشغول زندگی و تکالیف اجتماعی بودند و سعی می‌کردند وضعیت بهتری در اجتماع ایجاد کنند، مثل عمر بن خطاب که در کسوت پارسایی بر سرزمین گسترده‌ای حکومت می‌کرد و در همان حال که به نماز مشغول بود، نقشه مبارزه با ممالک را در ذهن خود ترسیم می‌کرد. بدون تردید اعمال و شیوه زندگی عمر و همانند او برای بقیه مسلمانان به‌عنوان الگو بود» (غنی، ۱۳۷۴: ۱۷).

سیاست، گروه حاکمه که جامعه بر پایه آنها به گردش در می‌آید، از الگوهای افراد محسوب می‌شوند و نظر اصلی را در اجرای رویکردها دارند؛ به طوری که می‌توانند اجرا و یا انحلال یک سیستم را به راحتی مدیریت کنند. حکمرانان سده‌های آغازین که بزرگانی چون حضرت پیامبر (ص)، عمر و... بودند، در این عصر همانند مردم عادی زندگی



می‌کردند و به اندوختن مال، نفس‌پرستی و افعال پلید مشغول نبودند، بلکه به فانی بودن دنیا و جاودانی آخرت تصریح می‌کردند؛ بنابراین یکی دیگر از عواملی که در رشد و قدرت یافتن تصوف و مشایخ متصوفه در این عصر نقش داشت، رویکرد دولت و حاکمان است که در اصل آموزه‌های آنها با آموزه‌های تصوف و مشایخ هم‌سویی داشت.

#### ۴. نتیجه‌گیری

عرفان و تصوف اسلامی مکتبی است که در طول تاریخ خود تغییراتی داشته است، سرآغاز تصوف بسیط بود و از حدود اعمال عبادی خشک عدول نمی‌کرد. به مرور این نظر شدت یافت و به درجه مبالغه رسید و به تدریج مایه‌های ذوقی ظهور پیدا کرد. دامنه تصوف گسترش یافت و صوفیان از منابع بسیاری مفاهیمی اتخاذ و به تصوف اضافه کردند و مفهوم تصوف تحول پیدا کرد. علاوه بر این چنانچه بررسی شد، ساختار اجتماعی-فرهنگی عصر نیز در رویکرد مردم جامعه مؤثر است. این پژوهش طبق هژمونی آنتونیو گرامشی دلیل ظهور و رونق تصوف را در سده‌های آغازین بررسی کرده است. هژمونی به معنای تسلط، قدرت و غلبه عنصری بر عناصر دیگر است و از نظر گرامشی ارتباطی است که به جای تکیه بر اجبار از اقناع برای رهبری استفاده می‌کند. نتایج نشان می‌دهد، در سده‌های آغازین عوامل بسیاری در رواج تصوف نقش داشته است که تصوف و متصوفه را در زمره گروه هژمون قرار داده است و اذهان عمومی را نه با زور و اجبار بلکه با اقناع و رهبری سیاسی به جانب رضایت و خشنودی در باره تصوف رهنون شده است. این مؤلفه‌های هژمونی عبارتند از: هژمونی دینی (اهمیت دین و مذهب و فطرت خداآشنای انسان، ظهور دین اسلام، توجه به باطن شریعت)، هژمونی مدنی یا اجتماعی (اوضاع اجتماعی جامعه، ظهور برخی از شخصیت‌ها، مطرح شدن مباحث حقیقی تصوف، ظهور برخی از فرقه‌ها)، هژمونی فرهنگی (سبک زندگی پیامبر(ص) و یاران ایشان، کمک صوفیان به مردم مظلوم، تحریر کتاب، درون‌نگری زاهدان، گرایش به تزهت)، هژمونی ایدئولوژی (اعتقاد بر فانی بودن دنیا، باور به دوری از نفس‌پرستی، باور به پاداش و جزا، باور به مراقبت از اعمال)، هژمونی سیاسی (رویکرد پادشاهان به تصوف و صوفی) که در این میان هژمونی اجتماعی و وقایع عصر نقش پررنگ‌تری در ایجاد این رهبری



دارد و هژمونی ایدئولوژی به دلیل به چالش کشیدن اذهان و باور مردم در درجه دوم قرار دارد که با ایجاد رضایت اکثر افراد جامعه سبب ایجاد تغییر، توسعه و رشد تصوف شده‌اند.





## منابع

## قرآن کریم

آجیلی، هادی؛ جلوداری، ام‌البنین (۱۳۹۵). «بایسته‌ها و الزامات شکل‌گیری هژمونی جهانی و منطقه‌ای»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، دوره ۶، شماره ۵، صص ۱-۲۰.

بلوم، ویلیام تئودور (۱۳۷۳). *نظریه‌های نظام سیاسی*، ترجمه احمد تدین، ج ۲، تهران: آران.

برتلس، یوگنی ادواردویچ (۱۳۸۲). *تصوف و ادبیات تصوف*، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

بوکوک، روبرت (۱۳۹۹). *هژمونی در باب چگونگی سیاست اخلاقی*، ترجمه بهزاد باغی دوست و کاوه عباسی تهران: گام نو.

تدین، عطاءالله (۱۳۸۰). *جلوه‌های تصوف و عرفان در ایران و جهان*، چاپ دوم، تهران: انتشارات تهران.

راجر، سایمون (۱۳۹۴). *درآمدی بر اندیشه‌های سیاسی آنتونیو گرامشی؛ هژمونی، انقلاب و روشنفکران*، ترجمه محمد کاظم شجاعی، تهران: سبزان.

راجر، سایمون (۱۳۹۹). *درآمدی بر اندیشه‌های سیاسی آنتونیو گرامشی*، ترجمه محمد اسماعیل نوذری، تهران: پارمیدا.

روبرت، دوز و سیمور، مارتین لیپست (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمد حسین فرجاد، تهران: توس.

سجادی، ضیاء الدین (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف*، تهران: سمت.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد پنجم، چاپ چهاردهم، تهران: نگار هانتف

قنبری عبدالملکی، رضا؛ فیروزیان پور، آیلین (۱۳۹۹). «بازنمایی هژمونی و ضد هژمونی در گفتمان شعر جمهوری محمدتقی بهار بر مبنای آرای آنتونیو گرامشی»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۵۶، صص ۷۷-۱۰۴.

کانت، ایمانوئل (۱۳۹۵). *دین در محدودۀ عقل تنها*، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: نقش و نگار.

گرامشی، آنتونیو (۱۳۹۹). *دفتراهای زندان (دفتراهای اول و دوم)*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: چرخ.

لاکلاو، ارنستو؛ موفه، شانتال (۱۳۹۲). *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی*، تهران: ثالث.

ماسه، هانری، (۱۳۵۷). *معتقدات و آداب ایرانی*، ترجمه محوری روشن‌ضمیر. تهران: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

نوذری، حسینعلی (۱۳۸۰). فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران: طرح نو.  
یشربی، سید یحیی (۱۳۹۵). عرفان نظری، تحقیقی در سیر تکاملی و اصول و مسائل تصوف، چاپ نهم، قم: بوستان کتاب.





## *Examining the reasons for the formation of Sufism in the early centuries based on Antonio Gramsci's theory of hegemony*

Mahsa kazempour<sup>1</sup>, Masroureh mokhtari<sup>2</sup>, Asgar salahi<sup>3</sup>

### **Abstract**

One of the common social and intellectual approaches in history is mysticism and Sufism, which has been accompanied by changes since its formation until its peak and perfection. This approach, despite the effect on other components, has also been affected by various factors. Despite the impact on other components, this approach has also been influenced by various factors, and at the same time, these interactions have created a platform that has caused the spread or stagnation of the school of Sufism. . This article has analyzed the reasons for the emergence of Sufism and Sufism based on Antonio Gramsci's theory of hegemony with the analytical-descriptive method and the use of reliable library sources. Hegemony means power and dominance. According to Gramsci's belief, hegemony takes place without coercion by relying on persuasion and public consent. The result of the research shows that in the early centuries, which is considered as the foundation and budding period of Sufism, cultural, political and religious issues and especially social and ideological issues played a role in gaining the strength of Sufism. which include: the importance of religion and the nature of God-knowing of man, the emergence of the Islamic religion, attention to the interior of the Sharia, the social situation of the society, the emergence of some personalities, the presentation of the true issues of Sufism, the emergence of some sects, the lifestyle of the Prophet and his companions, Helping Sufis to oppressed people, writing books, introspection of ascetics, tendency to asceticism, belief in the mortality of the world, belief in avoiding self-worship, belief in reward and punishment, belief in taking care of deeds, approach of kings to Sufism and Sufis which has caused Sufism and Sufism to be among the hegemon group and to guide the public mind towards persuasion and satisfaction not by force but by consent and political leadership.

**Key words:** Sufism, mystic elders, early centuries, hegemony, Antonio Gramsci.

1 . PhD student in University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil,Iran. [mahsa.kazempour7272@gmail.com](mailto:mahsa.kazempour7272@gmail.com)

2 . Associate Professor University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil,Iran(**corresponding author**)  
 . [mmokhtari@uma.ac.ir](mailto:mmokhtari@uma.ac.ir)

3. Associate Professor University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil,Iran. [a\\_salahi@uma.ac.ir](mailto:a_salahi@uma.ac.ir)